

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه فیش منبر با موضوع ماه محرم

فیش نهم

رویش را قرص ماه باید بکشد

چشمانش را سیاه باید بکشد

نوبت به لبان خشک عباس رسید

نقاش چقدر آه باید بکشد

محمدحسین ملکیان

مقدمه:

عَلَىٰ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

اللَّهُ الْعَبَّاسُ! فَلَقَدْ آثَرَ وَ أْبَلَىٰ وَ فَدَىٰ أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ، فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ ، كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَ إِنَّ «لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ مَنزِلَةً يَغِيبُهَا بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

خداوند عمویم عباس علیه السلام را بیمارزد؛ به راستی که ایثار کرد و گرفتار بلا (و امتحان) شد و خودش را فدای برادرش کرد، تا جایی که در نزد خدای تبارک و تعالی برای عباس علیه السلام در روز قیامت منزلتی است که تمام شهدا به آن غبطه می‌خورند.

غروب تاسوعا یا شب عاشورا، شمر کنار خیمه‌های حسین علیه السلام آمد و گفت :

ای فرزندان خواهر من شما در امان هستید (مقصودش هر چهار فرزند ام البنین سلام الله علیها بود) پس خودتان را همراه برادرتان حسین علیه السلام به کشتن ندهید و تحت طاعت یزید درآیید.

نکته:

ام‌البنین از قبیله بنی‌کلاب است و شمر نیز از همان قبیله است؛ در عرب رسم بوده است که بدون اینکه نسبت خونی داشته باشند، زن‌های قبیله را خواهر خود می‌خواندند.

شمر لعین گفت: «أَنْتُمْ أَمْنُونَ

و عباس علیه السلام صدا زد :

«لُعِنَ مَا جِئْتَ بِهِ مِنْ أَمَانِكَ»

أَتَأْمُرُنَا أَنْ نَتْرُكَ أَحَانَا وَ سَيِّدَنَا الْحُسَيْنَ بْنَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَدْخُلَ فِي طَاعَةِ  
اللُّعْنَاءِ وَ أَوْلَادِ اللُّعْنَاءِ؟

یا تو به ما می‌گویی برادر و آقایمان حسین علیه السلام پسر فاطمه سلام الله علیها را  
«!ترک کنیم و تحت فرمان لعنت شدگان و اولاد لعنت شدگان در آییم؟»

اوج ادب حضرت عباس علیه السلام نسبت به حضرت زهرا سلام الله علیها در این گفتگو  
است؛

:آنجا که درباره حسین علیه السلام می‌گوید

سَيِّدَنَا الْحُسَيْنَ بْنَ فَاطِمَةَ « آقایمان حسین علیه السلام پسر فاطمه سلام الله علیها»  
و درباره معاویه و یزید می‌گوید: «اللُّعْنَاءِ وَ أَوْلَادِ اللُّعْنَاءِ» ملعونین فرزند ملعونین؛

ادب دیگر فرزندان ام‌البنین سلام الله علیها در این گفتگو کاملاً مشهود است؛ حتی یک  
مورخ هم ننوشته که فرزندان ام‌البنین سلام الله علیها چیزی پیش از برادرشان گفته  
باشند؛ در عمل هم هیچ‌کدام از آنها سیدالشهدا علیه السلام را رها نکردند و قبل از  
عباس علیه السلام در راه حسین علیه السلام شهید شدند.

با قصد آب رفت و خداحافظی نکرد

وَ اشْتَدَّ الْعَطَشُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَكِبَ الْمُسْنَاءَ يُرِيدُ الْفُرَاتَ وَ الْعَبَّاسُ أَخُوهُ بَيْنَ «  
يَدَيْهِ»؛

و عطش بر حسین علیه السلام سخت شد پس بالای تل (که به سمت فرات بود) رفت و برادرش عباس علیه السلام همراهش بود.

حسین علیه السلام همراه عباس علیه السلام رفت! تا آب بیاورد.

سقای کربلا برای جنگ نرفته بود؛ برای همین هم در هیچ مقتلی وداع برای حضرت عباس علیه السلام نقل نشده است.

از این رو حضرت زینب سلام الله علیها و اهل حرم در حسرت وداع با عباس علیه السلام ماندند!

برای همین هم نمی دانستند که عباس علیه السلام کجا رفته و چه بلایی به سرش آمده است.

از همین جا بود که وقتی امام حسین علیه السلام از سمت علقمه برگشت سکینه جلو آمد و گفت:

يا أبتاه هل لكِ علمٌ بعمي العباس؟ «پدر جان آیا از عمویم عباس خبر داری؟»

منابع:

اللّهوف على قتلى الطفوف

الخصال للصدوق

پایگاه جامع محتوایی هیأت

[www.heyat.co](http://www.heyat.co)